

## عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی استان البرز در دوره‌های آموزشی - ترویجی کشاورزی پایدار

اسماعیل کرمی دهکردی<sup>۱</sup>، اردشیر مصباح<sup>۲\*</sup>، سمیه جنگ‌چی کاشانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. [e.karami@znu.ac.ir](mailto:e.karami@znu.ac.ir)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. [ardeshirmesbah@gmail.com](mailto:ardeshirmesbah@gmail.com)

<sup>۳</sup> دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. [somayeh\\_kashani58@yahoo.com](mailto:somayeh_kashani58@yahoo.com)

### چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی استان البرز در دوره‌های آموزشی ترویجی کشاورزی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را زنان روستایی استان البرز تشکیل می‌دادند که حجم جامعه برابر ۱۳۷۲۵ می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، تعداد ۲۰۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری گردید و با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 و EXCEL مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحلیل همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که از بین عوامل مورد مطالعه، متغیرهای سطح تحصیلات افراد مورد مطالعه، سطح تحصیلات شوهر، میزان همکاری با تشکل‌های روستایی، نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی، دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، دیدگاه افراد در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی، دیدگاه افراد در مورد مفید بودن دوره‌های آموزشی قبلی و میزان ارتباط با جوامع شهری ارتباط معنی‌دار و مثبت با مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی ترویجی داشته و متغیرهای سن و تعداد فرزندان ارتباط منفی معنی‌داری با مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی ترویجی داشته است. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نیز نشان می‌دهد که از بین متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شدند، متغیر دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی تأثیرگذارترین متغیر می‌باشد.

**کلمات کلیدی:** مشارکت، دوره‌های آموزشی، زنان، کشاورزی پایدار

## Factors Affecting the Participation of Rural Women in Alborz Province in Educational Courses - Sustainable Agricultural Extension

Esmaeil Karami Dehkordi<sup>1</sup>, Ardeshir Mesbah<sup>2\*</sup>, Somayeh Borkhi Kashani<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Associate Professor of Promotion, Communication and Rural Development, Faculty of Agriculture, Zanzan University, Zanzan, Iran e.karami@znu.ac.ir

<sup>2</sup> Masters of Promotion, Communication and Rural Development Group, Faculty of Agriculture, Zanzan University, Zanzan, Iran ardeshirmesbah@gmail.com

<sup>3</sup> PhD in Agricultural Development, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran somayeh\_kashani58@yahoo.com

### Abstract

The purpose of this study was to investigate the factors affecting the participation of rural women in Alborz province in agricultural extension training courses. The statistical population of the study consisted of rural women in Alborz province with a population of 13725. Using a Cochran formula and stratified sampling method, 207 individuals were selected as the statistical sample. Data were collected using a researcher-made questionnaire and analyzed using SPSS-22 and EXCEL software. Spearman's correlation analysis shows that among the factors studied, the variables of the level of education of the individuals studied, the level of husband's education, the level of cooperation with rural groups, the attitude towards the courses, the villagers' view of the participation of women in Educational programs, the viewpoints of people about the quality of previous educational courses, the viewpoints of people about the usefulness of previous educational courses and the level of communication with urban communities have a significant and positive relationship with the participation of rural women in extension courses and the variables Age and number of children have a meaningful negative relationship with the participation of rural women in courses Educational has been promoted. Also, the results of multiple regression show that among the variables included in the regression model, the viewpoint of villagers on the participation of women in educational programs is the most influential variable.

**Keywords:** Participation, Educational courses, Women, Sustainable agriculture

## مقدمه

با توجه کمبود و فقدان نیروی انسانی ورزیده و کارآموده، باید پذیرفت که تکمیل و اجرای برنامه‌های توسعه ملی در کشورهای در حال توسعه بدون بهبود برنامه‌های آموزشی بزرگسالان امکان پذیر نخواهد بود و از زمانی که به مسئله کمبود نیروی انسانی کارآموده توجه شده است، همه‌جا از آموزش به عنوان تنها راه علاج و داروی موثر این نقیصه نام برده شده است (دلیر، ۱۳۸۸). از طرفی هم باید پذیرفت که برای اجرای هر برنامه‌ی آموزشی ضرورت دارد که مشارکت مخاطبان داوطلبانه بوده و در صورتی که حضور مخاطبان بر خلاف میل و خواسته درونی آن‌ها بوده و یا تنها دلیل حضور آن‌ها در برنامه‌های آموزشی کسب مدرک باشد اجرای این برنامه‌ها موفقیت چندانی نخواهد داشت و پس از صرف هزینه‌های هنگفت به شکست خواهد انجامید. در اثنای مشارکت فراگیر اقشار روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی به طور اعم و برنامه‌های ترویجی به طور اخص، مسئله مشارکت زنان روستایی به عنوان نیمی از پیکره جامعه روستایی در این برنامه‌ها، مسئله‌ای بسیار مهم و در خور تأمل است (شهبازی، ۱۳۸۷). مشارکت فرآیندی است که افراد دخیل در آن به صورتی فعال، آگاه، آزاد و مسئول برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸). عمدتاً صاحب‌نظران در تعریف مشارکت از مفاهیمی چون هم‌جهتی و هدفمندی، آگاهی نسبت به هدف یا اهداف گروه و اراده و خواست بهره می‌گیرند، اما عمده‌ترین هدف مشارکت، توانمندسازی افراد است (کول و بچایان، ۲۰۰۷)، داعیه‌داران توسعه انسانی اعتقاد دارند که فرصت‌ها باید به شکل عادلانه در اختیار افراد قرار داده شود و باید همه‌ی مردم، چه زن و چه مرد، به طور یکسان فرصت مشارکت در اجرای طرح‌ها و تصمیمات اساسی که در زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد، داده شود (برنامه عمران ملل متحد، ۱۳۷۴). ارزش کار زنان در روستاها، نه تنها از کار خدماتی مردان کمتر نیست، بلکه در بسیاری از موارد ارزش بیشتری دارد. حتی ارزش کار زنان روستایی از کارهای کشاورزی و دامداری مردان روستایی بالاتر است. زیرا انجام کار کشاورزی و دامداری وابسته به آماده شدن شرایط زندگی توسط زنان روستایی است. زنان روستایی بیش از یک چهارم کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. ۵۰۰ میلیون نفر از زنان جهان که در مناطق روستایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، بین ۸۰ - ۶۰ درصد مواد غذایی اولیه را تولید می‌کنند و به طور متوسط ۵۰ درصد کار کشاورزی را در کشورهای نیمه صنعتی و ۳۰ درصد در کشورهای صنعتی انجام می‌دهند و فرآوری مواد غذایی برای تهیه غذای خانوار در اغلب نقاط روستایی جهان صددرصد با زنان روستایی است. این در حالی است که زنان امکان دسترسی به خدمات بخش کشاورزی مانند آب، زمین، نهادها و اعتبار را ندارند. در کشور ایران، زنان روستایی در اغلب نقاط کشور در فعالیتهای کشاورزی نقش اساسی دارند. امروزه در برنامه‌های ملی و بین‌المللی توسعه، جایگاه ویژه‌ای به نیمی از پیکر جامعه یعنی زنان داده شده است (گل‌محمدی و همکاران، ۱۳۸۹). آموزش به عنوان رکن اساسی توسعه‌ی ملل کلیدی‌ترین فعالیت در توسعه‌ی زنان روستایی (نیمی از پیکر جامعه) محسوب می‌شود. در این راستا برنامه‌های آموزشی کشاورزی در صورتی که با پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و اجرای خوب همراه باشند در افزایش کیفی و کمی محصولات کشاورزی و در نهایت بهبود درآمدهای خانوارهای روستایی نقش اساسی دارند.

از طرفی، هدف توسعه خلق شرایطی است که همه‌ی مردم بتوانند در آن، از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده بهره‌مند شوند و در واقع در هر سطحی از توسعه، سه عامل برای مردم ملاک است؛ رسیدن به یک زندگی طولانی و توأم با سلامت، کسب علم و دانش و دسترسی داشتن به منابع مورد نیاز یک سطح زندگی مناسب و شایسته (برنامه عمران ملل متحد، ۱۳۷۴). لذا، با نگرشی سیستمی به توسعه‌ی روستایی، پدیده‌ی مشارکت در بحث توسعه امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد. ولی بسیاری از روستاییان در طرح‌های ترویجی شرکت نمی‌کنند زیرا استدلالشان آن است که دیگران مشارکت و همکاری خواهند کرد (ملک‌محمدی و حسینی‌نیا، ۱۳۸۵).

در سراسر جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، زنان در تمام بخش‌ها از جمله کشاورزی، همچون سایر بخش‌های اقتصادی جامعه پایه‌ی مردان برای تداوم حیات پویای ساخت‌های اجتماعی و پیشبرد کارکردهای مؤثر فرایندهای تولیدی - خدماتی تلاش می‌کنند و سهم قابل توجهی از نیروی کار را به خود اختصاص می‌دهند. علی‌رغم این و با تأکید کنونی که در فرایند توسعه پایدار عدالت‌گرا،

<sup>1</sup> Cole & Bachayan



مشارکت محور، انسان مدار و درون‌زا برای توانمندسازی تمام احاد بشر به ویژه زنان وجود دارد، در توسعه برنامه‌ها و ارائه خدمات، گروه های زنان حداقل در مقایسه با مردان مورد اغماض قرار گرفته‌اند، چنان که به آن‌ها مخاطبان فراموش شده اطلاق گردیده است. متأسفانه در بسیاری از برنامه‌های توسعه، نقش اساسی و تعیین کننده زنان به فراموشی سپرده شده است و به دلیل چشم‌پوشی از نقش برجسته زنان، سرمایه‌گذاری بسیار محدودتری در زمینه‌های آموزشی - ترویجی و کلیه فعالیت‌های پشتیبانی به عمل آمده است (خسروی‌پور و فروشانی، ۱۳۹۰).

به نقل از ساتیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) فرض رایج برنامه‌های ترویج این است که مردان اکثر فعالیت‌های کشاورزی را انجام می‌دهند، در حالی که زنان نقش بسیار مهمی را در اقتصاد خانوارهای روستایی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بازی می‌کنند. همین مسئله باعث شده است که در دهه‌های گذشته برنامه‌های آموزشی - ترویجی محدودتری برای زنان روستایی ارائه گردد. همچنین، سوانسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) عنوان می‌دارد که زنان روستایی تنها ۳۴ درصد از خدمات آموزشی - ترویجی را دریافت می‌کنند و تنها پنج درصد از آن‌ها، به طور مفید از برنامه های آموزشی - ترویجی استفاده می‌کنند. بنابراین باید با اتخاذ سیاست‌هایی موجبات مشارکت بیشتر زنان در برنامه‌های آموزشی - ترویجی فراهم گردد. البته لازم به ذکر است که مشارکت را با توجه به سطوح و میزان مشارکت افراد، به دو نوع مشارکت صوری و مشارکت واقعی تقسیم‌بندی نمود (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸).

نتایج مطالعه‌ی قنبری و همکاران (۱۳۹۱) که با هدف شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی شهرستان فریدون‌شهر در فعالیت های کشاورزی انجام شد، نشان داد که زنان روستایی در امور اجتماعی و اقتصادی مشارکت زیادی دارند؛ همچنین، مشارکت زنان در سطح متوسط تا زیاد است. علاوه بر این، بین متغیرهای تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاس‌های آموزشی، بُعد خانوار و سن، با میزان مشارکت، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مهمترین موانع مشارکت زنان نیز وضعیت تأهل، ممانعت مردان و تخصیص نبودن آموزش‌ها بوده است.

همچنین، میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی در روستای حسین آباد شهرستان کنگاور پرداخته که نتایج مطالعه‌ی آنها نشان داد که مهم‌ترین موانع مشارکت زنان روستایی بعد فرهنگی دارند. آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر منطقه روستایی، اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت، تربیت فرزندان، بیسوادی یا کم‌سوادی زنان، عدم رضایت همسر جهت حضور در برنامه‌های آموزشی - ترویجی، و تمسخر و ایراد اهالی از مهم‌ترین عوامل مورد شناسایی در این مطالعه بود.

نتایج مطالعه‌ی علی‌بیگی و بنی‌عامریان (۱۳۸۸) که با هدف بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی در شهرستان سنقر و کلیانی انجام شد، نشان داد میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی کم‌تر از متوسط است. همچنین، نتایج دیگر این مطالعه نشان داد تبعیض‌های جنسیتی، نبود اجازه برای حضور زنان در فعالیت‌های گروهی، پایین بودن سواد، فقر اقتصادی خانواده و نبود آگاهی نسبت به شیوه‌ی برخورد با زنان، از مهم‌ترین دلایل مشارکت نکردن و تماس زیاد با مروجان، افزایش تولید و درآمد، خشنودی از برنامه‌های آموزشی - ترویجی گذشته و علاقه‌مند بودن به کشاورزی از مهم‌ترین دلایل مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه در برنامه‌های آموزشی - ترویجی می‌باشند.

همچنین زرافشانی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ی خود که با هدف تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی براساس نردبان مشارکت شری آرنستین انجام شده، نشان داده‌اند که بین مشارکت زنان روستایی در سطوح مختلف تحصیلی و همچنین بر حسب وضعیت تأهل تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

<sup>۱</sup> Satio

<sup>۲</sup> Swanson

صفری شالی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی، نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. یعنی بالا رفتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی، میزان مشارکت آن‌ها را به طور فزاینده‌ای بالا می‌برد.

ملک محمدی و حسینی‌نیا (۱۳۸۵) در استان فارس، در مطالعه‌ای با هدف بررسی انگیزه‌ی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، نشان داده‌اند که اکثر زنان روستایی مورد مطالعه نسبت به برنامه‌های ترویجی اظهار رضایت کرده‌اند و مهم‌ترین عامل مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی "آموختن دانش و مهارت به خاطر علاقه یادگرفتن نکات تازه و جدید" بوده است.

حیاتی و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای عواملی نظیر میزان نیاز به برنامه‌های ترویجی مرتبط با حفاظت منابع طبیعی، دانش و رفتار حفاظتی کشاورز را بر مشارکت آن‌ها در برنامه‌های حفاظتی مؤثر گزارش کرده‌اند. نتایج مطالعه‌ی آرنولد<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۷)، داشتن تفریح و سرگرمی را مهمترین عامل مشارکت دختران و پسران روستایی در فعالیت‌های مربوط به جوانان روستایی می‌داند و از گذراندن وقت با دوستان و کارگروهی نیز به عنوان دیگر عوامل مهم نام می‌برد.

هوگو و ایتوهارا<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) به بررسی نقش مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی زنان در کشور بنگلادش پرداخته است. متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان نقش اساسی را در افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی دارند. بنابراین با توجه به مطالب مذکور، ضرورت پرداختن به نیازها، مشکلات و شرایط رشد و تعالی زنان روستایی که سهم بزرگی در جامعه انسانی و از سوی دیگر در عرصه تولید کشاورزی دارند، نیاز به تحقیق در مورد آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. انگیزه اصلی نگارندگان در انتخاب این موضوع، برداشتن گامی هرچند کوچک در تحقق بخشیدن این تفکر است که مشارکت دادن زنان روستایی می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین عامل در حل مشکلات و نیازمندی‌های آنان باشد و این امر بالطبع از تمرکز و ارتباط یک‌سویه کارساز تر است. بنابراین این عامل به همراه سایر عوامل مطرح شده معمولاً دلایل انتخاب موضوع برای محقق را تشکیل می‌دهد.

## مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود، از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق زنان روستایی البرز می‌باشند ( $N = 13725$ ) که از میان آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۷ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری تحقیق انتخاب شدند. شغل اصلی مردم روستاهای این شهرستان، به صورت غالب کشاورزی بوده و در کنار آن به امر دامداری و باغداری نیز می‌پردازند.

اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده جمع‌آوری گردید. متغیرهای مستقل مطالعه حاضر عبارتند از: سن (سال)، سطح تحصیلات شوهر (سال)، سطح تحصیلات (سال)، میزان درآمد سالیانه شوهر، همکاری با تشکلهای روستایی، نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی، اعتماد اجتماعی، دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، میزان ارتباط با جوامع شهری، سابقه شرکت افراد در فعالیت‌های آموزشی - ترویجی و .... همچنین، متغیر وابسته در مطالعه حاضر عبارتند از مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی - ترویجی و مشارکتی که دارای سطوح مختلفی از جمله شرکت در کلاس‌های کوتاه مدت ترویجی، بازدید از نمایشگاه‌های ترویجی، بازدید از مزارع نمونه، آموزش‌های رادیویی و تلویزیونی، شرکت در گروه‌های محلی و ...

<sup>1</sup> Arnold

<sup>2</sup> Hoque and Itohara

روایی محتوایی<sup>۱</sup> پرسشنامه با مشورت با متخصصین ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی پس از اعمال اصلاحات لازم مورد تایید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و برای این منظور، تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل گردید و ضریب آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۸۲ بدست آمد که حاکی از قابلیت پایایی پرسشنامه دارد. در مرحله بعد داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS22 و روش‌های آماری نظیر ضریب همبستگی اسپیرمن، مقایسه میانگین‌ها و رگرسیون چندگانه گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### یافته‌های تحقیق

#### نتایج توصیفی

#### الف - توصیف ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی استان البرز

اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی استان البرز در جدول ۱ آمده است و نشان می‌دهد میانگین سنی زنان مورد مطالعه ۴۸/۵ سال بوده، جوان‌ترین زن مورد مطالعه ۲۲ سال سن داشته و در مقابل مسن‌ترین زن مورد مطالعه ۷۱ سال داشته است. همچنین، نتایج تجزیه و تحلیل سطح تحصیلات نمونه‌ی آماری نشان می‌دهد که میانگین سطح تحصیلات پاسخگویان مورد مطالعه ۲ سال بوده و سطح تحصیلات آن‌ها ۰ تا ۱۴ در نوسان می‌باشد و این نشان از پایین بودن سطح تحصیلات زنان روستایی استان البرز دارد. نتایج تجزیه و تحلیل سطح تحصیلات شوهران زنان مورد مطالعه نیز حاکی از آن است که میانگین سطح تحصیلات آن‌ها برابر با ۸ سال بوده و سطح تحصیلات شوهران آن‌ها از ۰ تا ۱۶ متغیر می‌باشد. میانگین تعداد فرزندان افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین تعداد افراد مورد مطالعه برابر با ۶/۲۱ نفر بوده و این تعداد بین ۲ تا ۸ نفر متغیر می‌باشد.

جدول (۱) ویژگی‌های، فردی و خانوادگی نمونه‌ی مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
سن (سال)	۴۸/۵	۱۳/۲۰۳	۲۲	۷۱
سطح تحصیلات (سال)	۲	۰/۴۳	۰	۱۴
تعداد فرزندان	۶/۲۱	۲/۷۶	۲	۸
سطح تحصیلات شوهر (سال)	۸	۲/۰۸	۰/۵	۱۶

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ب- ارزیابی میزان مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی - ترویجی

مشارکت زنان روستایی استان البرز با استفاده از یک سؤال ۱۰ گویه‌ای با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده گردید و نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است. براساس نتایج این جدول میزان مشارکت ۱۶/۴ درصد پاسخگویان کم و خیلی کم، مشارکت ۴۷/۹ درصد متوسط و مشارکت ۳۵/۷ درصد در سطح خوب و خیلی خوب بوده است.

<sup>۱</sup>Content Validity



جدول شماره (۲) میزان مشارکت زنان روستایی در دوره‌های آموزشی

میزان مشارکت	فراوانی	درصد	درصد جمعی
کم و خیلی کم	۲۷	۱۶/۴	۱۶/۴
متوسط	۷۹	۴۷/۹	۶۴/۳
خوب و خیلی خوب	۵۹	۳۵/۷	۱۰۰
جمع	۱۶۵	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق

## نتایج تحلیلی

### الف- تحلیل دومتغیره

نتایج جدول ۳ ارتباط بین متغیرهای مستقل مورد مطالعه را با متغیر وابسته نشان می‌دهد. براساس نتایج این جدول می‌توان نتیجه گرفت که:

- بین سن زنان روستایی استان البرز و میزان مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی، رابطه معنی‌دار و منفی در سطح ۱ درصد وجود داشته که این نتیجه نشان می‌دهد که افراد مسن‌تر تمایل کمتری از خود در جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند و افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن‌تر تمایل بیشتری جهت شرکت در دوره‌های آموزشی داشته‌اند. این امر بدین دلیل است که افراد جوان‌تر بدلیل پیروی از هنجارهای نوین، ارتباطات بیشتر و سطح سواد بالاتر، به مزایای دوره‌های آموزشی بیشتر واقف بوده و اشتیاق بیشتری جهت شرکت در دوره‌های آموزشی داشته‌اند، ولی افراد مسن‌تر به علت داشتن تجربیات سنتی کشاورزی و شکل گرفتن شخصیت آن‌ها، انعطاف‌پذیری کمتری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند. این نتیجه تحقیق با نتیجه تحقیق صمدی (۱۳۸۵) در تضاد است.

- بین سطح تحصیلات زنان مورد مطالعه و سطح تحصیلات شوهر آن‌ها با میزان مشارکت این زنان جهت شرکت در دوره‌های آموزشی، رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۵ درصد وجود داشته و می‌توان چنین استنباط کرد که زنان باسوادتر و زنانی که شوهران آن‌ها از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار بوده‌اند، تمایل بیشتری جهت شرکت در دوره‌های آموزشی از خود نشان داده‌اند، زیرا افراد دارای سطح تحصیلات بیشتر، به مزایای دوره‌های آموزشی بیشتر واقف بوده و اهمیت دوره‌های آموزشی را بیشتر درک نموده‌اند. لذا تمایل بیشتری برای مشارکت در این دوره‌ها از خود نشان داده‌اند. این یافته تحقیق مطابق با یافته صمدی (۱۳۸۵) می‌باشد.

- بین میزان مشارکت زنان روستایی استان البرز در دوره‌های آموزشی و تعداد فرزندان آن‌ها رابطه معنی‌دار و منفی در سطح ۱ درصد وجود داشته که این نتیجه نشان می‌دهد افرادی که فرزند بیشتری داشته‌اند، تمایل کمتری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند. می‌توان گفت که این امر بدین دلیل است که زنان دارای فرزند بیشتر به علت داشتن مشغله‌ی زیاد در محیط خانواده و نداشتن فرصت کافی جهت شرکت در دوره‌ها، تمایل کمتری از خود نشان داده‌اند. لذا فرزندان زیاد را می‌توان به عنوان یکی از موانع پیش روی مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی محسوب نمود. این یافته تحقیق با نتیجه صمدی (۱۳۸۵) در تضاد است.

- نتایج همبستگی بین دو متغیر میزان همکاری زنان با تشکل‌های روستایی و نگرش آن‌ها در مورد دوره‌های آموزشی با میزان مشارکت آنان در دوره‌های آموزشی نشان می‌دهد که بین دو متغیر مورد بحث و متغیر میزان مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی، همبستگی معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود داشته است. یعنی با افزایش همکاری زنان مورد مطالعه با تشکل‌های روستایی و بهبود نگرش آن‌ها نسبت به دوره‌های آموزشی و آموزش، میزان تمایل آن‌ها جهت شرکت در دوره‌های آموزشی افزایش یافته است.

- بین نظر اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، دیدگاه زنان پاسخگو در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی و ارزیابی آن‌ها از مفید بودن دوره‌ها با میزان مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی همبستگی معنی‌داری مشاهده گردیده و این نشان می‌دهد که دیدگاه اهالی ساکن در روستا و کیفیت و میزان اثربخشی دوره‌های آموزشی قبلی، متغیرهای تأثیرگذار بر دیدگاه زنان جهت شرکت در

دوره‌های آموزشی بوده، به طوری که براساس این نتایج می‌توان استنباط کرد که اولاً در روستاهایی که دیدگاه اهالی روستا نسبت به شرکت زنان در دوره‌های آموزشی مناسب بوده، به همان نسبت زنان تمایل بیشتری از خود نشان داده‌اند و بالعکس در مناطقی که اهالی روستا نگاه مثبتی نسبت به این مسئله نداشته‌اند، زنان روستا نیز تمایل کمتری از خود نشان داده‌اند. همچنین دو متغیر دیگر مورد بحث در اینجا یعنی میزان مفید بودن و کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی، نیز از عوامل موثر در مشارکت زنان بوده‌اند، زیرا زنانی که کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی را مثبت‌تر ارزیابی نموده‌اند و دوره‌ها را موثرتر دانسته‌اند، تمایلی بیشتری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی آینده نشان داده‌اند.

- بین میزان ارتباط زنان با جوامع شهری و میزان مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی، همبستگی معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود داشته است. به بیانی دیگر می‌توان گفت زنانی که با جوامع شهری ارتباط بیشتری داشته‌اند، تمایل بیشتری از خود جهت شرکت در دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند. این می‌تواند منطقی باشد، زیرا زنانی که با مناطق شهری ارتباط بیشتری داشته‌اند با توجه به بالا بودن سطح زندگی در جوامع شهری، ارتباطات آن‌ها با این مناطق باعث شده تا نیازهای آن‌ها افزایش و متنوع‌تر شود و دریافته‌اند که راه رسیدن به نیازها و خواسته‌های متنوع آن‌ها آموزش است. لذا ارتباطات شهری بیشتر، باعث افزایش مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی به طور قابل ملاحظه‌ای شده است.

جدول (۳) رابطه میزان مشارکت زنان روستایی استان البرز در دوره‌های آموزشی - ترویجی با متغیرهای مستقل

متغیر ۱	متغیر ۲	نوع آزمون	ضریب	Sig
میزان مشارکت زنان	سن	اسپیرمن	* -۰/۱۷۱	۰/۰۳۱
روستایی در دوره‌های آموزشی - ترویجی	سطح تحصیلات	اسپیرمن	* ۰/۱۶۴	۰/۰۴۲
	وضعیت تأهل	T test	۱/۳۹ <sup>ns</sup>	۰/۱۶
	سطح تحصیلات شوهر	اسپیرمن	* * ۰/۲۳۸	۰/۰۰۰
	تعداد فرزندان	اسپیرمن	* -۰/۱۱۸	۰/۰۴۸
	همکاری با تشکل‌های روستایی	اسپیرمن	* * ۰/۲۰۲	۰/۰۰۱
	نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی	اسپیرمن	* * ۰/۱۹۰	۰/۰۰۵
	اعتماد اجتماعی	اسپیرمن	<sup>ns</sup> ۰/۱۰۸	۰/۰۵۹
	دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی	اسپیرمن	* * ۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
	دیدگاه افراد در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی	اسپیرمن	* ۰/۱۲۷	۰/۰۴۵
	دیدگاه افراد در مورد مفید بودن دوره‌های آموزشی قبلی	اسپیرمن	* ۰/۱۳۲	۰/۰۴۴
	میزان رضایت افراد از فعالیت‌های آموزشی ترویجی قبلی	اسپیرمن	<sup>ns</sup> ۰/۱۱۲	۰/۰۶۲
	سابقه شرکت افراد در فعالیت‌های آموزشی ترویجی	اسپیرمن	<sup>ns</sup> ۰/۰۶۷	۰/۱۰۴
	میزان ارتباط با جوامع شهری	اسپیرمن	* * ۰/۲۴۴	۰/۰۰۰
	میزان درآمد سالیانه شوهر	اسپیرمن	<sup>ns</sup> -۰/۱۱۵	۰/۰۵۲

\*: معنی‌داری در سطح ۵ درصد      \* \*: معنی‌داری در سطح ۱ درصد      <sup>ns</sup>: عدم معنی‌داری



### ب- رگرسیون چندگانه

به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته، از رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام استفاده شد. بدین منظور کلیه متغیرهایی که از لحاظ نظری می‌توانستند بر متغیر وابسته تأثیر بگذارند و همبستگی آن‌ها با متغیر وابسته با توجه به جدول ۴ اثبات شده بود، وارد مدل رگرسیونی شدند.

جدول (۴) رگرسیون چندگانه بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی استان البرز در دوره‌های آموزشی

Sig	T	Beta	B	متغیرهای وارد شده به مدل
۰/۰۰۰	۳۲/۴۵۸	-	۰/۷۸۷	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۸/۱۱۸	۰/۲۲۵	۰/۱۰۹	سطح تحصیلات شوهر
۰/۰۰۳	۵/۰۰۶	۰/۱۹۷	۰/۰۲۶	میزان ارتباط با جوامع شهری
۰/۰۰۱	۵/۳۵۶	۰/۲۹۲	۰/۲۰۵	دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی
۰/۰۰۵	۳/۳۳۳	۰/۲۱۱	۲/۱۳۴	دیدگاه افراد در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی
۰/۰۴۶	۱/۸۸۷	۰/۰۸۶	۰/۰۳۱	نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی
$R^2 = ۰/۴۴$		$F = ۱۲/۶۶۹$		$sig = ۰/۰۰۰$

بر اساس اطلاعات جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت که آماره فیشر (F) در سطح ۱ درصد معنی‌دار بوده، لذا مسجل است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل وارد شده به مدل رگرسیونی تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته است و مدل رگرسیونی داده‌ها مناسب می‌باشد. ضریب تعیین مدل ( $R^2$ ) نشان می‌دهد که ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل موجود در مدل تعیین می‌شود، همچنین، متغیر "دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی" با ضریب بتا ۰/۲۹۲ تأثیرگذارترین عامل مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی بوده است.

همچنین مقادیر ستون سطح معنی‌داری جدول ۴ نشان از تأثیر معنی‌دار متغیرهای سطح تحصیلات شوهر، میزان ارتباط با جوامع شهری، دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی، دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی قبلی و نگرش آن‌ها نسبت به دوره‌های آموزشی داشته است، ولی دیگر متغیرها اثر معنی‌داری بر متغیر وابسته نداشته و از مدل خارج شدند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- با توجه به پایین بودن سطح سواد زنان روستایی استان البرز و وجود ارتباط معنی‌دار مثبت آن با مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی ترویجی، لزوم برنامه‌ریزی جهت اجرای برنامه‌های مناسب آموزشی مناسب بزرگسالان را بیش از پیش آشکار می‌سازد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی نظیر نهضت سوادآموزی در جهت افزایش سواد زنان روستایی قدم برداشته تا از این طریق زمینه مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی - ترویجی مربوط به کشاورزی و روستایی فراهم شده و مشارکت زنان افزایش یابد.

- با توجه به اینکه متغیر "دیدگاه اهالی روستا نسبت به مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی" تأثیرگذارترین عامل مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد زمینه مشارکت زنان از طریق ایجاد شرایط محلی مناسب فراهم شود. برای رسیدن به این هدف می‌توان از طریق اجرای برنامه‌های مناسب دیدگاه روستاییان را نسبت به مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی بهبود بخشید. در این زمینه رسانه‌های ملی مانند رادیو و تلویزیون که در روستاها مخاطبان زیادی دارد می‌تواند مفید باشند.

- با توجه به رابطه منفی معنی دار بین تعداد فرزندان و مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی پیشنهاد می‌گردد حداقل در زمان اجرای برنامه‌های آموزشی، تسهیلاتی فراهم شود تا از فرزندان خردسال زنان شرکت کننده مواظبت کنند و مشغله‌ی نگهداری فرزند به عنوان عامل بازدارنده‌ی مشارکت زنان عمل نکند.

#### منابع

- ۱ - برنامه عمران ملل متحد (۱۳۷۴) گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ ترجمه غلامحسین صالح‌نسب. ضمیمه ماهنامه جهاد. معاونت ترویج و مشارکت مردمی. وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- ۲ - خسروی‌پور، ب و فروشانی، ن (۱۳۹۰) مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی. کار و جامعه. ۱۳۲: ۵۶-۶۸.
- ۳ - دلیر، م (۱۳۸۸) بررسی نقش آموزش در تحقق اهداف تعاونی‌ها. پیک نور. ۴۴: ۴-۶۵.
- ۴ - زرافشانی، ک. خالدی، خ و غنیان، م (۱۳۸۸) تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین. پژوهش زنان. ۳: ۱۰۷-۱۲۸.
- ۵ - شهبازی، ا (۱۳۸۷) توسعه و ترویج روستایی. چاپ چهارم. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶ - صفری‌شالی، ر (۱۳۸۷) عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی. زن در توسعه و سیاست. ۲۰: ۱۰۵-۱۱۸.
- ۷ - صمدی‌افشار، س (۱۳۸۵) بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی در بخش کشاورزی استان آذربایجان غربی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۸ - علی‌بیگی، م و بنی‌عامریان، ل (۱۳۸۸) عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی: مطالعه موردی شهرستان سنقر و کلیانی. مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان. ۲: ۱۱۵-۱۳۳.
- ۹ - قنبری، ی. حجاریان، ا. انصاری، ر و کیانی، ف (۱۳۹۱) شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه‌ی موردی شهرستان فریدون‌شهر). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. ۲: ۷۱-۸۷.
- ۱۰ - گل‌محمدی، ف، معتمد، ک و غلامرضایی، ب (۱۳۸۹) ارزیابی برنامه‌های آموزشی ترویجی کشاورزی انجام شده در ارتباط با زنان روستایی (مطالعه موردی استان خراسان جنوبی). همایش ملی توسعه پایدار روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی. بجنورد.
- ۱۱ - ملک‌محمدی، ا و حسینی‌نیا، غ (۱۳۸۵) انگیزه‌های مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی در استان فارس. مجله علوم کشاورزی. ۱: ۳۹-۵۳.
- ۱۲ - مهربانیان، ا و مؤذنی، س (۱۳۸۶) نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی. مطالعه موردی آسیا. جهاد. ۲۷۸: ۱۹۵-۱۷۶.
- ۱۳ - میرک‌زاده، ع. علی‌آبادی، و و شمس، ع (۱۳۸۹) واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. روستا و توسعه. ۲: ۱۴۷-۱۶۵.
- 14 - Arnold, Mary E, Jana L, Meinhold, T S and Carolyn, A (2007) The Motivation for and Developmental Benefits of Youth Participation in County 4-H Fairs: A Pilot Study. Journal of Extension 45(6): 12-16. Available at <http://joe.org/joe>. (Last access: 22 December, 2013).
- 15 - Chawla, L (2001) Evaluation children participation (seeking areas of consensus). PLA NOTES. 42: 9-13.
- 16 - Cole, R E and Bachayan, P (2007) Quality, participation and competitiveness. California Management Review. 3: 311-327.
- 17 - Hayati, D. Abadi, B. Movahedi, R and Heidari, M. (2009) An empirical model of factors affecting farmers' participation in natural resources conservational programs in Iran. Food Agriculture and Environment. 1: 201-207.



- 18 – Hoque, M and Itohara, Y (2008) Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and nonmembers of the micro-credit organizations in Bangladesh. *Journal of Social Sciences*. 3: 229-236.
- 19 – Mendoza, C (2006) Factors influencing participation in environmental stewardship programs: A case study of the agricultural and forestry sectors in Louisiana. PhD. dissertation, Louisiana State University and Agricultural & Mechanical College, United States - Louisiana. Retrieved August 5, 2007, from ProQuest Digital Dissertations database. Publication. AAT 3244976
- 20 - Reddy, R (1973) Who participation in voluntary action? *Journal of Extension*. 5(3): 17-23.
- 21 - Satio K.A (2007) Developing agricultural extension fir women farmers. *World Bank Discussion* . Washington D.C.
- 22 - Shabanali Fami H (2006) Relationship between Different Characteristics of Rural Women with Their Participation in Mixed Farming Activities. *Journal of Agricultural Science and Technology*. 2:107-117.
- 23 - Swanson B E (1990) The current status of agricultural extension worldwide. Report of the global consultation on agricultural extension, FAO. Roma.

